

جهانی شدن و توسعه کشاورزی



حجت مقصودی (دانشجوی دکتری واحد علوم تحقیقات)
امید شریفی (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت)

چکیده:

جهانی شدن به معنای شکوفایی و بسط و گسترش جوامع و نهادهای مدنی و تعمیق وابستگی متقابل و همه جانبه شدن آن تعریف شده است. جهانی شدن را بعنوان فرآیندی از بهم وابستگی فزاینده میان بازارها و نواحی جغرافیایی، وابستگی متقابل و نابود شدن مرزهای ملی مابین نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. در این روند که اثرات همه جانبه آن همه اقشار جامعه را در بر می‌گیرد، اثراتی که بر روی اقشار تولیدکننده مخصوصاً کشاورزان می‌گذارد حایز اهمیت فراوان است. چون تامین کننده غذای خیل عظیمی از جمعیت انسانی است که اکثر آنها هم در روستاهای کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، در این مقاله در نظر داریم تا اثرات سیاستهای دولتها را بر روی قیمت محصولات کشاورزی بررسی کرده و مسئله تاثیر سیاستهای بین المللی بر این روند مورد توجه قرار دهیم. تمامی کشورهای توسعه یافته در قیمت گذاری مواد غذایی و کشاورزی خود ملاحظه می‌کنند. عمده ترین اهداف آنها عبارتند از؛ بهبود یا تثبیت درآمدهای زراعی، افزایش خودکفایی و یا گسترش صادرات. با این حال سیاستها، اقدامات و گستره تأثیرگذاری دولت در کشورهای مختلف و بین کالاهای گوناگون بشدت با یکدیگر تفاوت دارد. اما در هر حال نتیجه کلی چیزی جز حمایت از کل یا قیمت عمده ای از بخشهای کشاورزیشان نیست. سیاستهایی که از سوی دولت برای واردات یا صادرات اتخاذ میشود می‌تواند به عنوان یک تصمیم گیری کلان اثرات متفاوتی را بر روی بخش تولید داخلی داشته باشد. اثر عمومی تر آن است که، آزادسازی تجارت عمده‌تاً همراه با حذف موانع جریان سرمایه بین المللی است. در حال حاضر مبادلات بین المللی سرمایه کمتر به تجارت بستگی دارد و بیشتر به احتیاجات نرخ برگشت در بازار دارایی‌ها بستگی دارد. در نتیجه جریان بین المللی سرمایه بسیار فعالتر شده است. تغییر ناگهانی در علایق سرمایه‌گذاری می‌تواند اثر بزرگی در قیمت ارز داشته باشد و در نتیجه قیمت های داخلی واردات از جمله غذا را بشدت افزایش دهد اثر این تغییرات ناگهانی وابسته به ارز در آینده ممکن است بیشتر از اثرات تغییر خود بازار کالا باشد.

مقدمه:

اقتصادی دیگر، پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد. جهانی شدن، زمینه جدیدی را در عرصه رقابت بین‌المللی فراهم می‌آورد و قدر مسلم، ممالکی می‌توانند از این عرصه رقابت سهم قابل توجه و شایانی به چنگ زند که از قدرت اقتصادی، نیروی انسانی کارآمد و دانش فنی بالایی برای حضور در این رقابت تنگاتنگ برخوردار باشند.

در مباحثی که حول پدیده جهانی شدن می‌شود، بیش از هر چیز، به تعاریف و مفاهیم جهانی شدن پرداخته می‌شود. شاید علت این امر بدان سبب است که برای انسانها هنوز مشخص و آشکار نشده است، و یا شاید

جهانی شدن، موضوع بحث انگیزی است که امروزه در روزنامه ها، نشریات، مجلات و کتب موضوعی و تخصصی، مقالات و بحث‌های زیادی پیرامون آن و اثراتش بر حیطه‌های مختلف رانده می‌شود. اما آنچه مسلم است اینکه هر کدام از نویسندگان و صاحب نظران، فراخور رشته تخصصی خود به این مساله پرداخته و آنرا نقد و واکاوی کرده‌اند. جهانی شدن پدیده‌ای است که طبعاً به مانند هر تغییر اجتماعی -

کارشناسان ابعاد جهانی شدن، برای هر کس انگونه که احساس می کنند که درک می کند، بیان داشته اند و شاید به دلیل گستردگی ابعاد فرایند جهانی شدن است که هنوز تعریف جامع و کاملی از آن بدست نیامده است.

ما در اینجا سعی داریم که به زبان ساده و بسیار روشن و واضح پدیده جهانی شدن را تعریف نموده تا مخاطبان بتوانند با آشنایی با مفاهیم آن بدنبال ابعاد گسترده از این مفهوم رفته و در این زمینه کنکاش بیشتری بنماییم.

در این روند مسئله ای که بروز می کند، تاثیرات جهانی بر اجتماع و فرهنگ حاکم بر کشورها و بخصوص کشورهای جهان سوم است. نیروهای سیاسی و فرهنگی، بسرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار میدهند و به خلق یک بازار نوین جهانی، سازمانهای سیاسی فراملی جدید و فرهنگ نوین جهانی را عرضه خواهد کرد.

جهانی شدن دارای یک نظام جهانی است، نظامی که زمینه های مختلفی چون سرمایه داری، بازرگانی، مبادلات، ارتباطات، سیاست، اندیشه را شامل می شود. با تغییر ایدئولوژی ها اندیشه، اقتصاد، ارتباطات و... این جامعه است که بسوی افقهای جدید حرکت میکند و آیا می توان گفت آینده اجتماع انسانی در این روند چه خواهد شد؟

تعاریف جهانی شدن

در خصوص جهانی شدن دیدگاه های مختلفی وجود دارد که هر یک بر وجهی متمرکز شده اند. یکی از این دیدگاه ها، جهانی شدن را مفهومی می شناسد که دلالت بر «بهم فشردن شدن» جهانی در بعد زمان و مکان و کوچکتر گردیدن آن دارد. جهانی شدن به معنای شکوفایی و بسط و گسترش جوامع و نهادهای مدنی و تعمیق وابستگی متقابل و همه جانبه شدن آن است.

«آنتونی مک گرو» در تعریف جهانی شدن می گوید: در جهانی شدن الگوی فعالیت مختلف بشری بسوی فراقاره ای و بین منطقه ای شدن در حرکت است. وی همچنین معتقد است جهانی شدن در تمام حوزه های زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد. از اینرو جهانی شدن یک فرآیند چند بعدی است (قریب، ۱۳۸۰).

«جورگن اسوتیمین» (۲۰۰۱) بر این عقیده است که جهانی شدن دارای طبیعتی سه گانه است. به دیگر سخن، جهانی شدن محدود به حوزه اقتصاد نبوده و تغییرات اجتماعی و سیاسی، نظیر پذیرش عام دموکراسی و تکثرگرایی بعنوان نظام های سیاسی مطلوب و نیز حرکت بسوی آزادی بیشتر فردی و تصمیم گیری غیر متمرکز را شامل می شود. ولکر و گرامان (۲۰۰۱) جهانی شدن را بعنوان فرآیند بهم وابستگی فزاینده میان بازارها و نواحی جغرافیایی، وابستگی متقابل و نابود شدن مرزهای ملی مابین نظام های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می داند.

«مارتین آلبرو» نیز جهانی شدن را به فرآیندهایی که براساس آن همه مردم جهان در جامعه ای واحد و فراگیر بهم می پیوندند، تعریف می کند.

«مانوئل» ریشتر جهانی شدن را شکل گیری شبکه ای می داند که در چارچوب آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده و منزوی بوده اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می شوند. جهانی شدن به اختصار عبارتست از رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی. «ایران زاده» (۱۳۸۰) معتقد است که مفهوم جهانی شدن در متون علوم اجتماعی بعنوان ابزاری تحلیلی برای توصیف روندهای تغییر در زمینه های

گوناگون ظاهر شده است. در واقع جهانی شدن یک روند مستمر و مداوم است و با استفاده از شاخص های کمی و کیفی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ارتباطات می توان آنرا مورد مطالعه قرار داد.

هر چند تعریف دقیق از جهانی شدن دردست نیست اما اندیشمندان متفاوتی هر یک بر حسب نظر خود، تعریفی را ارائه داده اند.

«مارشال مک لوهان» تمدن را بر سه تمدن: شفاهی، چاپی و الکترونیکی تقسیم کرده و اعتقاد دارد چون جامعه کنونی با بهره گیری از پیشرفتهای الکترونیکی در حال حرکت بسوی مبادله اطلاعات بصورت چهره به چهره پیش می رود پس جهان امروز مانند دهکده قدیم در پی اشاعه فرهنگ شفاهی می باشد.

مانوئل کاستل، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه ای می داند که در ادامه حرکت سرمایه داری، بهینه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد.

با جمع بندی نظرات فوق الذکر پنج مفهوم ذیل استنباط می شود:

۱- جهانی شدن به مفهوم بین المللی شدن نهفته است.

۲- جهانی شدن به عنوان باز شدن مرزها یا حذف مرزها می باشد.

۳- جهانی شدن به عنوان یک فرآیند انتقال سرمایه به سوی قدرتمندان و یا حداقل بهترین بازیگران خواهد بود.

۴- جهانی شدن به عنوان ایدئولوژی جهانی و همسان سازی تفکر است.

۵- جهانی شدن به عنوان یک پدیده علت و معلولی در یکسان سازی همه آحاد مردم قدم برمی دارد (همشهری، ۱۳۸۲).

تاریخچه جهانی شدن

کاربرد اصطلاح جهانی شدن، به دو کتاب برمی گردد که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. کتاب اول نوشته مارشال مک لوهان، تحت عنوان: جنگ و صلح در دهکده جهانی است. مک لوهان با نظریه دهکده جهانی خود این نکته را گوشزد می کند که ارتباط افراد جهانی با یکدیگر بسیار نزدیک و متقارن شدن است، بگونه ای که ارتباط به چهره عملاً تحقق یافته است. کتاب دوم، نوشته برژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر بود. (ایران زاده، ۱۳۸۰).

مفهوم جهانی شدن از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد متداول شد و در دهه ۱۹۹۰ ظهور بروز عینی تری پیدا کرد. جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی سابق در تشدید روند جهانی شدن نقش اساسی داشت و زمینه های بسط و گسترش وجوه مختلف آنرا بیش از پیش فراهم ساخت. از نهاد بشر اینگونه بر می آید که اگر در جزیره ای زندگی کند و بداند که در آن حوالی جزیره ای دیگر وجود دارد، اول به قصد شناسایی، تعیین ابعاد و سپس در جهت تعیین نقاط قوت و ضعف خود، به جزیره جدید قدم برمی دارد و اگر شرایط اجازه داد نسبت به ضمیمه نمودن آن به جزیره قبلی اقدام می کند به همین خاطر است که اگر کالاهایی در کارخانه ای تولید شود، تواناییهای آن در سایر قاره ها نیز تاثیرگذار خواهد بود.

یعنی اگر جهان را یک سطح در هم تنیده و گسترده قلمداد کنیم آنگاه هر نقطه ای از عالم می تواند سایر بخشها را تحت تاثیر خود قرار دهد. نکته ای که مسلم است آنکه جهانی شدن یک واقعه ای مقطعی نبود بلکه بیشتر یک روند محسوب می شود که به همان نهاد بشر بر می گردد. (همشهری، ۱۳۸۰).

سازمان تجارت جهانی دولت نامرئی جهانی

این دستگاه عظیم، اقتدار و آتوریته نامحدودی به آن واگذار نموده اند، اقتداری که قبلاً در اختیار نهادهای سیاسی ملی خودشان بود. فقط ۹ سال پس از تشکیل WTO این نهاد به مرحله ای از رشد خود رسیده است که در حال سبقت گرفتن از قدرتمندترین، بسته ترین و غیر دموکرات ترین نهاد بین المللی جهانی یعنی صندوق بین المللی پول IWF میباشد. خیلی سریع WTO موفق گردید که تحت عنوان دولت جهانی و رفاء همگانی برای خود آبرویی در دوران "عصر رقابت آزاد" دست و پا نماید. علاوه بر آن با حرص و ولع بی پایانی در حال گسترش حوزه اقتدار و نفوذ خویش می باشد.

رژیم تجاری محصولات کشاورزی در ایران

در دوره پیش از پیروزی انقلاب، راهبرد انتخاب شده برای دستیابی به توسعه اقتصادی عبارت از راهبرد «توسعه صنعتی» بوده است، در حالیکه سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی طی برنامه سوم، ۶۰ درصد بیشتر از بخش صنعت بود. پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، این نسبت در برنامه چهارم معکوس گردیده و حتی در برنامه پنجم کاهش بیشتری هم یافت. پایین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی و افزایش قیمت در سایر بخش‌ها به ضرر کشاورزی، افزایش هزینه‌های تولید در این بخش و نیز واردات و عرضه محصولات کشاورزی با قیمت پایین، همگی از عواقب انتخاب راهبرد توسعه صنعتی و کم بها دادن به بخش کشاورزی بود که ضعیف‌تر شدن هر چه بیشتر بخش کشاورزی و تبدیل شدن کشور به یک واردکننده بزرگ محصولات کشاورزی را در پی داشت.

در رژیم گذشته، سیاست‌های طراحی و اعمال شده در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، عمدتاً متکی بر سیاست‌های تولید و نظام بهره‌برداری بوده و سیاست‌های تجاری در آن منظور نگردیده و یا به صورت حاشیه‌ای بر سیاست‌های تولیدی مطرح بوده است. در تمام برنامه‌های یاد شده، منابع تأمین مالی به شدت به درآمدهای نفتی وابسته بوده است که تغییرات مداوم وضعیت مالی این برنامه‌ها با توجه به درآمد نفت گواه این مدعاست. با وفور درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳، اثر مشهود این درآمدها و برنامه بر بخش کشاورزی آشکار گردید به نحوی که سیل واردات محصولات کشاورزی و در مقابل، کاهش شدید صادرات محصولات کشاورزی به وقوع پیوست.

بعد از انقلاب اسلامی سیاست‌های کشاورزی ایران ابتدا به صورت کلی در سخنرانی‌های رهبران جمهوری اسلامی و سپس در قانون اساسی منعکس گردید. این سیاست‌ها شامل؛ اهداف کلی مانند تحقق عدالت اجتماعی، خودکفایی در زمینه تولید مواد غذایی و اولویت دادن به مسایل کشاورزی و روستایی بود. تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، برنامه مصوبی به نام برنامه توسعه‌ای در کشور وجود نداشت و برنامه‌های اقتصادی دولت در زمینه مسایل کشاورزی مانند سایر بخش‌ها بیشتر جنبه کوتاه‌مدت، خلق الساعه یا انفعالی داشت و دارای تداوم نبود. در این دوره، با توجه به ساختار دولتی تجارت خارجی و بحران سیاسی ناشی از جنگ تحمیلی، تعیین میزان کالاهای وارداتی در اختیار دولت قرار گرفت، که محدودیت‌های جدی را بر واردات محصولات کشاورزی در هنگام کمبود ارز مطرح ساخت و تلاش نامنظمی نیز از سوی دولت برای تشویق صادرات پذیرفت.

با پایان یافتن جنگ و آغاز دور تازه‌ای از تلاش‌های آگاهانه برای دستیابی به توسعه، دولت تلاش کرد تا با طرح برنامه‌های پنج ساله به بازسازی اقتصاد

"اقتصاد گلبال موجب تحولات عمیق بنیادی در ساختار و شالوده جوامع و باعث شکل‌گیری سانترالیزی غیر دموکراتیک در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان گردیده است. این تنشها و دگرگونیها در ساختارها از زمان انقلاب صنعتی تا کنون بی سابقه اند. ولی عواقب غامض این دگرگونیها تا کنون مورد بحث و تبادل نظری جدی و انتقادی افکار عمومی قرار نگرفته است. با وجود ابعاد گسترده این تحولات در تمامی سپهر های زندگی، صاحب منصبان اداری و رجل سیاسی منتخب مردم هنوز زحمت ارائه توضیحی قانع کننده در رابطه با روند امور و پروسه شکل گیری و یا واگذاری اختیاراتی در این ابعاد به کنشگران اقتصادی بخود نداده اند. هنوز اطلاعات جامع و دقیقی در اختیار سیستمها و مراکز آموزشی و وسائل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) قرار نگرفته است تا بتوان به استناد آنها به دیدگاهها و دلایل اتخاذ تصمیمات مسئولین وارگانهای تصمیم گیرنده پی برد و آنها را مورد تحقیق و پژوهش قرار داد. اطلاعات جسته و گریخته ای که

بررسی تطبیقی رژیم واردات محصولات کشاورزی در ایران با مقررات دسترسی به بازار، در موافقت‌نامه کشاورزی، حکایت از وجود ۱۲ نوع مانع غیرتعرفه‌ای در ورود محصولات منتخب دارد، که عبارتند از؛ تجارت دولتی، محدودیت کیفی، نوع بسته‌بندی، محدودیت منوط به خرید داخلی، محل ورود، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت و بررسی قیمت.

توسط وسائل ارتباط جمعی و یا دولتها در اختیار ما شهروندان گذاشته میشود، عمدتاً از طرف شرکتهای فراملیتی و یا دستگاه بروکراتیک غول پیکری بنام «سازمان تجارت جهانی» میباشد. از آنجائیکه اینها پیشقروان و سوداگران این "نظم نوین" هستند قابل فهم است که اطلاعات ارائه شده از طرفشان هم بدون چون و چرا مثبت، اتوپییائی و تصویرکننده مدینه فاضله باشد. آنها در باغ سبز نشان میدهند و ادعا میکنند که "نظم نوین" داروی همه دردها و ناخوشی‌های ماست.

ولی این خوش بینیها هیچ پایه مستدل و واقع بینانه ای ندارند. تنها پیام روشن و شفاف این "نظم نوین" تا کنون این است: یک جابجائی عظیم قدرت اقتصادی - سیاسی از جانب دولتهای ملی بسمت کارتهای چند ملیتی، دستگاههای تجاری و نهادهای بروکراتیک جهانی. این جابجائی قدرت و انتقال مراکز تصمیمگیری عواقب دهشتناکی برای محیط زیست، حقوق بشر، بیمه و تأمینات اجتماعی، کشاورزی و دامداری، سلامت مواد غذایی، حقوق کارگران، استقلال دولتهای ملی و حتی دموکراسی بهمراه داشته است.

"سازمان تجارت جهانی" WTO قدرتمندترین رژیم است که قواعد این بازی و پروسه "نظم نوین" را دیکته می نماید. صد و سی چهار دولت عضو

کشور بپردازد. در برنامه پنج ساله اول در زمینه کشاورزی، عمده‌ترین هدف برنامه عبارت از خودکفایی در محصولات استراتژیک بود و تنها یکی از سیاست‌ها بطور ضمنی به بخش تجاری اشاره داشت. در برنامه اول، به علت تعدیلات انجام شده پس از جنگ، صادرات بخش کشاورزی از رونق قابل توجهی برخوردار بود.

موفقیت نسبی کشاورزی در تحقق اهداف برنامه اول در کنار عدم توفیق کامل سایر بخش‌ها باعث شد تا در برنامه دوم، بر نقش محوری بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی تاکید گردد. مهمترین جهت‌گیری این برنامه در بخش کشاورزی بر استفاده از تعرفه‌های گمرکی در راستای حمایت از تولید داخلی، استمرار یارانه، معافیت مالیاتی و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مناسب صادراتی برای محصولات کشاورزی داشت. با این وجود، باید تاکید نمود که در قانون برنامه دوم، گرچه حدود یک پنجم از کل تبصره‌ها بطور مستقیم به بخش کشاورزی مربوط می‌شد، اما تنها یک تبصره، بطور مشخص، به مسایل تجاری بخش، توجه داشت.

به طور کلی، راهبردهای اتخاذ شده در دوره پس از پیروزی انقلاب، از ثبات کمتری برخوردار بوده است و چندگانگی و گاه تناقضاتی را در آن می‌توان یافت. در این دوره نیز سیاست‌های تولیدی و نظام بهره‌برداری در مرکز توجه قرار داشته و همچنان سیاست‌های تجاری تنها به صورت حاشیه‌ای و غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، قبل و بعد از انقلاب سیاست‌های تجاری محصولات کشاورزی بدون برنامه‌ریزی و تنها براساس ضروریات آبی و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور اتخاذ گردیده است. بنابراین، در چنین شرایطی حتی حجم اندک صادرات بخش می‌تواند بسیار مهم باشد. زیرا در عین بی‌ثباتی سیاست‌ها، صادرات بخش کشاورزی و محصولات سنتی از با ثبات‌ترین جزء صادرات غیرنفتی کشور بوده است. بنابراین، ضرورت دارد به سیاست‌های تجاری محصولات کشاورزی توجه ویژه‌ای مبذول داشت.

مقررات دسترسی به بازار در موافقت‌نامه کشاورزی

در حوزه دسترسی به بازار، سه موضوع تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای، کاهش معادل تعرفه‌ای در یک دوره زمانی مشخص و ایجاد تضمین مناسب برای حداقل دسترسی مورد توجه قرار گرفته است. در این حوزه، اعضای متعهد موظفند نخست، کلیه اقدامات غیرتعرفه‌ای خود را اعم از محدودیت‌های کمی واردات، مالیات‌های متغیر وارداتی، حداقل قیمت‌های وارداتی، اعطای مجوز وارداتی احتیاطی، ادامه اقدامات تعرفه‌ای از طریق شرکت‌های تجاری دولت، محدودیت‌های داوطلبانه صادراتی و سایر اقدامات به عمل آمده در مرزها غیر از عوارض گمرکی را به تعرفه تبدیل نمایند. آنگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌های خود باید معادل تعرفه‌ای محاسبه شده را به ترتیب طی یک دوره ۶ و ۱۰ ساله به ترتیب ۳۶ و ۲۴ درصد کاهش دهند. به منظور جلوگیری از ایجاد موانع جدید بر سر راه گسترش تجارت، اعضا موظفند در چارچوب تعهد دسترسی به بازار، حداقل موقعیت دسترسی به بازار را در سطح فعلی حفظ نمایند و در مورد محصولاتی که واردات آنها ناچیز بوده و یا به طور کلی وارداتی انجام نمی‌گیرد، حداقل دسترسی به بازار در سطح ۳ درصد مصرف کشور تعیین می‌شود که این میزان در مدت ۶ سال به ۵ درصد خواهد رسید. بررسی تطبیقی رژیم واردات محصولات کشاورزی در ایران با مقررات

دسترسی به بازار، در موافقت‌نامه کشاورزی، حکایت از وجود ۱۲ نوع مانع غیرتعرفه‌ای در ورود محصولات منتخب دارد، که عبارتند از: تجارت دولتی، محدودیت کیفی، نوع بسته‌بندی، محدودیت منوط به خرید داخلی، محل ورود، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت و بررسی قیمت.

محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات منتخب کشاورزی و مقایسه آن با محدودیت تعرفه‌ای اعمال شده در مورد این محصولات نشان می‌دهد که اولاً معادل تعرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی منفی است که این امر خود حاکی از عدم حمایت نظام تجاری کشور می‌باشد. به نحوی که حتی مالیات پنهانی نیز به بخش تحمیل شده است. دوم، با توجه به تعدد موانع غیرتعرفه‌ای، تقریباً از موانع غیرتعرفه‌ای هم به خوبی استفاده نشده است. معادل تعرفه‌ای براساس نرخ آزاد ارز برای کلیه محصولات - به استثنای موز - در اغلب سالها منفی است و دلیل این امر عمدتاً بالا بودن نرخ ارز می‌باشد که باعث می‌شود قیمت داخلی کمتر از قیمت وارداتی گردد. اما با نرخ رسمی ارز (به علت ارزش‌گذاری بیش از حد ریال) معادل تعرفه‌ای در اغلب سالها و برای اکثریت محصولات مثبت بوده است. حال اگر معادل تعرفه‌ای براساس نرخ آزاد ارز محاسبه شود - چنانچه مدنظر موافقت‌نامه کشاورزی نیز می‌باشد - در اغلب سالها، واردات کالا بدون وجود هیچگونه مانعی صورت گرفته و حتی به نحوی حمایت از واردات صورت پذیرفته است. این امر در شرایطی است که در اکثر کشورهای توسعه یافته، حمایت مرزی شدید و کاملاً مشخصی از محصولات کشاورزی صورت می‌گیرد.

نتایج اجرای مقررات دسترسی به بازار

تعهدات دسترسی به بازار با تغییر موانع غیرتعرفه‌ای به موانع تعرفه‌ای و کاهش آن، باعث تغییر قیمت محصولات کشاورزی در تمام سطوح خواهد شد. به منظور شناسایی روند تغییرات قیمت ناشی از این تعهدات و همچنین برآورد تأثیر اجرای موافقت‌نامه بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند تولید، مصرف و واردات، لازم است که ابتدا قیمت محصولات کشاورزی در کشور پس از اجرای موافقت‌نامه مورد محاسبه قرار گیرد. چون براساس بند ۴ پیوست ضمیمه شماره ۵ موافقت‌نامه کشاورزی، قیمت مورد نظر در تعهد دسترسی به بازار، قیمت عمده فروشی می‌باشد لذا در محاسبات، فقط از قیمت عمده فروشی استفاده شده است.

از سوی دیگر، قیمت محصولات کشاورزی پس از اجرای مقررات دسترسی به بازار در دو فرضیه جداگانه مورد محاسبه قرار می‌گیرد. فرضیه اول عبارت از آن است که قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی، هیچ گونه تغییری در دیوار تعرفه‌ای کشور ایجاد نخواهد شد و در مقابل، براساس فرضیه دوم، در مورد محصولاتی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی است، دیوار تعرفه به حدی بالا کشیده شده.

امنیت غذایی و تجارت جهانی

امروزه بسیاری از کشورها در مناطق آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی با کمبود مواد غذایی بخصوص مواد غذایی اصلی مثل گندم و برنج مواجه می‌باشند. در آسیا تنها تعداد محدودی از کشورها مثل تایلند و ویتنام دارای مازاد تولید بوده و قادرند که مقدار قابل ملاحظه ای مواد غذایی صادر نمایند. بعضی از کشورها در راستای تامین امنیت غذایی تاکید بر نیل به خودکفایی با خود اتکایی خصوصاً در زمینه محصولات اصلی دارند و بعضی از کشورها

با واردات مواد غذایی تلاش بر تامین امنیت غذایی خود دارند. به طور کلی امنیت غذایی به معنای فعلیت یافتن ۴ اصل مهم زیر است:

۱- فراهم بودن غذا؛ یعنی هر کشوری باید قادر باشد غذای کافی برای جمعیت موجود و در حال رشد خود تامین نماید.

۲- ثبات و پایداری غذا؛ یعنی این که غذای فراهم شده به طور مداوم تهیه گردد.

۳- قابل دسترس بودن غذا؛ یعنی اینکه غذای فراهم شده در هر زمانی و در هر مکانی در بازار وجود داشته باشد و مردم از نظر اقتصادی و فیزیکی قادر به تهیه آن باشند.

۴- سلامت غذا؛ یعنی غذا به طور سالم و بهداشتی تهیه و در اختیار مردم قرار گیرد.

هرچند تعداد زیادی از کشورها از جمله ایران در زمینه تهیه و قابل دسترس بودن مواد غذایی پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند، ولی هنوز عدم تامین مواد غذایی یک مشکل جدی است.

تجارت مواد غذایی باعث گردیده که بسیاری از کشورها با واردات مواد غذایی مشکلات کمبود را حل نمایند.

ولی همیشه این نگرانی وجود دارد که عواملی مثل نبود ثبات در بازارهای بین‌المللی، کاهش درآمدهای ارزی، ارزان بودن کالاهای وارداتی، آثار منفی اقتصادی و اجتماعی واردات بر تولیدکنندگان داخلی و استفاده صادرکنندگان از مواد صادراتی خصوصاً غذا به عنوان یک اسلحه استراتژیک و سیاسی، باعث رکود اقتصادی و وابستگی کشور به منابع خارجی گردد و از طرفی واردات و افزایش تولید بعضی مواد غذایی بخصوص منابع حیوانی و تغییر الگوی مصرف در بعضی کشورها باعث شیوع بیشتر بیماری‌های گوارشی مربوط به جیره غذایی مثل سرطان روده شده است.

طی سال‌های اخیر، بسیاری کشورها رشد گسترده‌ای در زمینه تولید انواع مواد غذایی داشته‌اند و این رشد، همراه با افزایش سطح اراضی زیر کشت و افزایش بهره‌دهی در واحد سطح در بعضی کشورها باعث افزایش تولید گردیده و تعدادی از کشورهای در حال توسعه بزودی به خودکفایی در محصولات اصلی خواهند رسید.

ولی در بعضی از کشورها به دلیل اولویت ندادن به بخش کشاورزی، وجود تغییرات فراوان آب و هوایی، مراتع بیلاقی و بحران‌های مالی و اقتصادی، تولیدات کشاورزی نه تنها رشدی نداشته بلکه در برخی از آنها بعضاً کاهش نیز داشته است. در نتیجه یک کاهش معنی‌داری از نظر خودکفایی در بعضی مناطق از جمله مناطق آفریقایی و منطقه جنوبی آسیا ایجاد گردیده و در سال‌های اخیر بعضی کشورها مثل بنگلادش، فیلیپین و ... به طور گسترده‌ای وابسته به کمک‌های غذایی کشورهای دیگر بوده‌اند تا بتوانند نیازهای داخلی خود را برطرف نمایند.

برای این که وضعیت تغییر یافته و بهره‌دهی بخش کشاورزی افزایش یابد، دولت‌ها باید اولویت بیشتری را به این بخش داده و با سرمایه‌گذاری بیشتر در امور زیربنایی خصوصاً سیستم‌های تولیدی، تحقیقات مؤثر و ارائه تکنیک‌های جدید و پیشرفته تامین اعتبارات مالی و ارائه خدمات بیشتر، بخش کشاورزی را حمایت نمایند.

به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که تجارت جهانی باعث رشد اقتصادی و بهبود امنیت غذایی مردم شده است. بر همین اساس بسیاری کشورها ضمن اجرای برنامه‌های حمایتی در جهت افزایش خوداتکایی، سیاست آزادی

تجارت محصولات تولیدی و فرآورده‌های کشاورزی را با توجه به مقررات گات و WTO پیشه خود قرار داده‌اند.

آزادی تجارت بین‌المللی ضمن افزایش امنیت غذایی در کشورها، تولیدات داخلی کشاورزان آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و احتمالاً در کوتاه مدت، اثر منفی بر شرایط زندگی و همچنین نظام‌های سنتی تولید خواهد داشت کشاورزان احتمالاً تولید محصولات سنتی را کاهش و تولید محصولات باغی و میوه‌جات که درآمد بیشتری دارند را افزایش می‌دهند. به علاوه جهت افزایش درآمد کشاورزی، اقدامات بیشتری مثل عملیات فرآوری مواد غذایی خواهد یافت.

آزادی تجارت در بعضی موارد در ابتدا باعث افزایش قیمت‌ها خواهد شد و این مساله برای افراد کم‌درآمدی که تولیدکننده مواد غذایی نیستند، اثرات زیانباری دارد.

امروزه موضوع الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی (WTO) یکی از موضوعات مهم و مطرح در بین کارشناسان است. همچنین بحث حمایت‌های دولتی از بخش کشاورزی از حساسیت زیادی برخوردار است و نظرات مخالف و موافق متعددی در این زمینه وجود دارد.

سیاست تضمین قیمت خرید محصولات کشاورزی یکی از عمده‌ترین حمایت‌های دولتها از بخش کشاورزی است. بررسی موانع غیرتعرفه‌ای نشانگر این است که تقریباً اکثر محصولات کشاورزی دارای موانع غیرتعرفه‌ای هستند و بیانگر این واقعیت است که واردات محصولات و فرآورده‌های کشاورزی به طور کامل تحت نظارت و کنترل شدید بوده است.

عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم این است که کلیه محدودیت‌ها برداشته شوند، البته حذف موانع غیرتعرفه‌ای ممکن است با افزایش تعرفه‌های موجود و افزایش تورم همراه باشد. لذا در مورد حذف کامل موانع غیرتعرفه‌ای و تاثیرات آن باید تامل بیشتری کرد.

در برخی موارد، قوانین جاری کشورها با مقررات گات و سازمان تجارت جهانی در تضاد هستند. این تضادها و مغایرت‌ها غیرقابل حل نیستند و با تغییر شماری از قوانین، به طور خودکار برخی از قوانین دیگر تغییر می‌کنند. کاهش میزان تعرفه‌ها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای در کشورهای صنعتی و کشورهای طرف تجاری ممکن است صادرات محصولات کشاورزی را افزایش دهد. ولی از طرفی ممکن است تغییرات اساسی در تولیدات کشاورزی رخ دهد و بخشی از این تغییرات در قیمت‌های موجود خواهد بود. کاهش حمایت‌های داخلی از کشاورزان، مهمترین تاثیر در قیمت محصولات کشاورزی خواهد داشت. افزایش قیمت‌ها از یک طرف باعث افزایش هزینه‌های دولت، افزایش دستمزدها، گرانتر شدن کالاها و خدمات و کاهش قدرت خرید و رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود ولی از طرف دیگر باعث افزایش درآمد تولیدکنندگان می‌گردد.

بخش کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد بسیاری از کشورها دارد. زیرا محصولات کشاورزی بخش عمده‌ای از صادرات را تشکیل می‌دهد. بخش کشاورزی نسبتاً وابستگی کم‌تری به منابع ارزی خارجی و تکنولوژی پیشرفته دارد و هر نوع سرمایه‌گذاری در این بخش باعث افزایش بهره‌وری در زمینه تولید محصولات کشاورزی شده و از طرف دیگر ضمن حفظ محیط زیست، رفاه زندگی مردم افزایش یافته و بخش‌های اقتصادی دیگر پیشرفت خواهند نمود.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان نتایج ذیل را مطرح نمود:

۱. موضوع امنیت غذایی به عنوان یک مساله مهم و اساسی شناسایی شد
توجه بسیاری از کشورهای می باشد
۲. تجارت جهانی نقش معنی داری در کاهش عدم تامین غذایی بخصوص از نظر رفع کمبود مواد غذایی دارد.
۳. فعالیت های تجارت جهانی گات و WTO باید در زمینه حمایت بیشتر از امنیت غذایی کشورها گسترش یابد. این حمایت ها بخصوص در مورد بعضی محصولات اصلی مثل گندم و برنج و در زمان کاهش تولیدات داخلی به دلیل آب و هوای نامناسب و یا کاهش قیمت ها به دلیل آزادی تجارت اهمیت بسزایی دارد. از طرفی در سیستم آزادی تجارت باید حمایت از کشاورزان خردپا و کم درآمد مدنظر قرار گیرد.
۴. هرچند تجارت باعث رشد اقتصادی و بهبود امنیت غذایی مردم می شود ولی خوداتکایی به عنوان یک اصل مهم است و کشورها باید مجاز باشند که خوداتکایی خود در زمینه محصولات اساسی را افزایش دهند.
۵. به طور کلی تجارتی که بتواند امنیت غذایی کشور را حفظ نماید باید در برنامه های بلند مدت و استراتژی اقتصادی دولت ها مورد توجه قرار گیرد. (روزنامه اقتصادی آسیا، ۱۳۸۱).

سیاست های بین المللی

تمامی کشورهای توسعه یافته در قیمت گذاری مواد غذایی و کشاورزی خود مداخله می کنند که عمده ترین اهداف آنها عبارتند از: بهبود یا تثبیت درآمدهای زراعی، افزایش خودکفایی و یا گسترش صادرات. با این حال سیاستها، اقدامات و گسترده تأثیرگذاری دولت در کشورهای مختلف و بین کالاهای گوناگون بشدت با یکدیگر تفاوت دارد. اما در هر حال نتیجه کلی چیزی جز حمایت از کل یا قیمت عمده ای از بخشهای کشاورزیشان نیست. شماری از کشورها، نظیر جامعه اقتصادی اروپا، در مجموع طرفدار اصل حمایت هستند. در حالی که دیگر کشورها، از قبیل کشورهای آمریکای شمالی یا اقیانوسیه، اگرهم حمایتی را از محصولات صادراتی خود به عمل می آورند، میزان آن بسیار اندک بوده است. حال آن که همین کشورها از دیگر قسمتهای بخش کشاورزیشان که محصولات رقیب واردات را عرضه می کنند، بشدت حمایت کرده اند. معدودی از کشورها به محض اینکه سیاستهایشان باعث خودکفایی نسبی در زمینه مواد غذایی اساسی شده است تولید را محدود ساخته اند و یا اینکه عمدتاً به دلیل محدودیت منابع طبیعی شان، هم بشدت از اصل حمایت طرفداری کرده اند و هم واردکننده عمده باقی مانده اند. هرچه که به نظر می رسد گرایش به سمت به کارگیری اقدامات که به طور مستقیم تر بر درآمدها اثر می گذارند آغاز شده است، با وجود این اغلب، اقدامات مداخله ای از قیمت های کالا همراه با اقدامات تجاری به مثابه ابزاری برای تأثیرگذاری بر درآمدهای کشاورزی استفاده می کنند. در اثر قیمت گذاری دولت، از تأثیرگذاری قیمت و نیز تأثیر مستقیم تجارت خارجی دور مانده است.

انگیزه ای که در اثر قیمت های بالا و حمایت شده تولیدکننده در شماری از کشورها پدید آمده، نقش عمده ای در رشد چشمگیر تولیدشان ایفا کرده است. اغلب کشورهایی که قبلاً وارد کننده بوده اند، هنگامی که رشد تولیدیشان به فراتر از نیازهای بازار داخلی رسیده است، گزینه پرداخت سوبسید به صادرات را برگزیده اند. کشورهایی که پس از رسیدن به خودکفایی تقریبی تولید را متوقف کرده اند، هرچند باعث محدود شدن

دسترسی بازار جهانی به بازارهای خود شده اند. ولی این کار دست کم بر عرضه صادرات سوبسید دار که موجب کاهش قیمت ها می شود نیفزوده اند. مطالعات و مباحث فزاینده ای در مورد اثرات حمایت از کشاورزی در کشورهای توسعه یافته در جریان است اما با شرایط معین، یعنی شواهد موجود نشانگر آن است که این حمایت باعث کاهش قیمت های جهانی محصولاتی شده است که کشورهای توسعه یافته، حجم انبوهی از آن ها را تولید می کنند. و نیز موجب تشدید بی ثباتی در بازارهای بین المللی شده و دسترسی کشورهای رقیب را به بازار بشدت محدود ساخته است. در مورد کالاهایی که مشمول آزادسازی تجاری توسط کشورها عضو سازمان همکاری توسعه اقتصادی (OECD) یا کشورهای عضو جامعه اروپا می شوند، نتایج مطالعات مستقل متعددی نشان می دهد که حذف یا کاهش حمایت کنونی از آنها قیمت های بین المللی حاصل از صادرات محصولات کشاورزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه را به نحو چشمگیری افزایش خواهد داد. هرچند که آنها به طور بسیار نابرابر در این منافع سهیم خواهند شد. اما در زمینه آزادسازی بیشتر جهانی، مطالعات اندکی که صورت گرفته گویای آن است که در مورد شماری از محصولات نتیجه بدست آمده ممکن

در دوره پیش از پیروزی انقلاب، راهبرد انتخاب شده برای دستیابی به توسعه اقتصادی عبارت از راهبرد «توسعه صنعتی» بوده است، در حالیکه سرمایه گذاری دولت در بخش کشاورزی طی برنامه سوم، ۶۰ درصد بیشتر از بخش صنعت بود.

است قیمت های بین المللی کاهش یابد و افزایشی را نشان ندهد. به نظر می رسد که یکی از این محصولات برنج باشد که افزایش قیمت های داخلی در کشورهای عمده تولیدکننده مانند هند که قیمت های داخلی پایین تر از سطح قیمت های جهانی است. باعث افزایش تولید و کاهش مصرف خواهد شد و در نتیجه به کاهش اندکی در قیمت های بازار جهانی خواهد انجامید.

از آنجا که سیاست حمایت از تولید در کشورهای توسعه یافته نتایج مثبتی را نیز برای برخی از کشورهای در حال توسعه در برداشته است. بنابراین اندازه گیری دقیق تأثیر خالص آن دشوار است. نتایج مثبت ناشی از فراوانی غلات و سایر نیازمندیهای غذایی با قیمت های تجاری است که این قیمت ها به دلیل سیاست های حمایتی یا به عنوان واردات انحصاری در زمانی که تقاضای کشورهای در حال توسعه بسرعت در حال افزایش است، کاهش یافته اند.

اما تأثیرات منفی و جدی و متعددی نیز برای کشورهای در حال توسعه وجود دارد که عبارت است از دست دادن تشدید عایدات حاصل از صادرات که ناشی از قیمت های جهانی پایین تر و دسترسی محدود به بازارهای خارجی است. تأثیر قیمت های جهانی پایین تر بر انگیزه های قیمت تولید

کننده داخلی، بی ثباتی و عدم اطمینان فزاینده قیمت بین المللی و باتوجه به وجود واردات مستمر مواد غذایی اساسی با قیمتهایی که در اثر حمایت کاهش یافته اند برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت راهبردهای توسعه در اثر این بی اطمینانیها مشکلتر کرده است. نمی توان منابع تولید را به آسانی و یا بدون هزینه از یک کالا به سمت کالای دیگر تغییر داد. سرانجام اینکه سیاستهای حمایتی در کشورهای در حال توسعه تأثیرات گوناگونی به دنبال دارد و این تفاوت به علت ترکیب تجارت کشاورزی کشورهای در حال توسعه است. برای مثال کشوری که شکر یا گوشت گاو صادر می کند اما غلات کمی وارد می نماید و یا اصلاً واردات غلات ندارد هم از نظر واردات و هم از نظر صادرات زیان می کند.

در شرایطی که بیان شد لازم است که سیاستهای قیمت کشورهای توسعه یافته اصلاح شود و شبکه بین المللی تجارت کشاورزی بهبود یابد. تداخل چشمگیر این دو جنبه بیانگر سلطه کشورهای توسعه یافته بر این جریانهای تجاری است.

بعد از انقلاب اسلامی سیاستهای کشاورزی ایران ابتدا به صورت کلی در سخنرانیهای رهبران جمهوری اسلامی و سپس در قانون اساسی منعکس گردید. این سیاستها شامل؛ اهداف کلی مانند تحقق عدالت اجتماعی، خودکفایی در زمینه تولید مواد غذایی و اولویت دادن به مسایل کشاورزی و روستایی بود.

تعدادی از محورهای ممکن در سیاستگذاری به شرح زیر می باشد:

- سطح قیمت و حمایت از قیمت
 - تعیین و ثبات قیمت
 - چارچوب بین المللی
 - کمک مستقیم به طرحهای قیمت گذاری در کشورهای در حال توسعه
- بی تردید، کاستن از میزان حمایت کشورهای توسعه یافته در جایی که این حمایت به سطوح نسبتاً بالایی رسیده است، مطلوب است. کاستن از میزان حمایت باید بتدریج صورت گیرد تا از بروز اغتشاش در کشور حمایت شونده و شرکای تجاری آن جلوگیری شود. شماری از کشورهای در حال توسعه فقیر که مواد غذایی و پاره ای محصولات دیگر را که در اثر سیاست، با قیمت ارزان عرضه می شوند، وارد می کنند ممکن است در کوتاه مدت پس از لغو یا کاهش حمایت، دچار زیانهای شوند. در چنین مواردی باید تلاش شود که همگام با کاهش میزان حمایت کمک های جنسی موقتی ارائه شود.
- اگر کشورهای توسعه یافته نسبت به نوسانهای قیمت در بازارهای جهانی حساستر بودند، ثبات قیمت بین المللی می توانست به طور چشمگیری بهبود یابد. این امر مستلزم آن است که قیمت های تولید کننده و مصرف کننده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته بتوانند اثر نوسانهای قیمت های بین

المللی را بیش از میزان معمول کنونی منعکس سازند. هنوز هم می توان ثبات قیمت داخلی معقولی را حفظ کرد. لازم است استفاده از ابزارهای سیاستگذاری از قبیل مالیات، متغیر بر واردات و پرداخت سوبسید به صادرات، بیشتر مهار شود. به منظور جبران برخی از اثرات نوسانهای سالانه در تولید داخلی کشاورزی حفظ ذخایر همچنان مورد لزوم است. تجارت دولتی باید نسبت به تأثیر معاملات کلان یا تغییرات ناگهانی جریانهای تجاری بر ثبات قیمت حساستر باشد.

در شرایطی که کشورهای توسعه یافته همچنان به نحو چشمگیری به سیاست حمایت از بخشهای کشاورزیشان ادامه می دهند. باید نسبت به انتخاب انواع اقدامات توجه بیشتری مبذول شود. به گونه ای که این اقدامات کمترین عوارض تجاری را در پی داشته باشند. یکایک کشورهای توسعه یافته دریافته اند که اصلاحات مطلوب اقتصادی در سیاست های قیمت ملی شان، چنانچه در چارچوب بین المللی اصلاح شده برای قیمت ها و تجارت کشاورزی انجام شود، آسانتر صورت می گیرد. در عین حال، داشتن تضمین بیشتری درخصوص این چارچوب بین المللی به کشورهای در حال توسعه کمک مهمی خواهد کرد که نه تنها در مورد سیاستهای قیمت و تجارتشان تصمیم گیری کنند بلکه در موارد بسیاری جهت گیری راهبرد توسعه خود را نیز معین سازند. برداشتن این گام اساساً بدین معناست که تجارت کشاورزی و اقدامات مرتبط با آن به داخل نظام قوانین مؤثر گات آورده شود. این امر به نوبه خود ایجاب می کند که قابل مذاکره بودن حمایت از قیمت داخلی در قالب ابزار و سطوح قیمت یا اثرات تجاری مورد پذیرش قرار گیرد.

به کارگیری قوانین مؤثر تجارت بین المللی در مورد کشاورزی لزوماً زمان بر است. ترتیبات بین المللی که در حال حاضر واقعاً به آنها عمل می شود در داخل حوزه محدود خویش مفید هستند. قابلیت اجرای آنها را می توان با مزایایی که دارند گسترش داد و شرایطشان را بهبود بخشید. لازم است کشورهای توسعه یافته نقش پیشبرد وارد اجرای این تغییرات بر عهده گیرند. نظارت دقیق و منظم بر رئوس مطالب توافق شده در باره سیاست کشاورزی می تواند به شکلی مفید هم بر جنبه های فنی سیاستهای قیمت داخلی اثر بگذارد و هم مفاد مذاکرات مربوط به کالا و تجارت را تحت تأثیر قرار دهد.

تجارت جهانی و تأثیر قیمت های جهانی

باتوجه به مشکلات الگوپردازی نتایج مذاکرات دور اروگوئه نتایج تعمیم یافته قیمت گذاری جهانی ارائه شده است. انتظار می رود، صادرات گندم کشورهای پیشرفته کاهش یافته و واردات افزایش یابد. در مورد آخر واردات در اروپای غربی بخش توسط واردات کاهش یافته گندم توسط ایالات متحده و اروپای شرقی و کشورهای مشترک المنافع جبران می شود. این امر باید قیمت گندم را براساس مذاکرات اروگوئه ۶ تا ۷٪ در سال ۲۰۰۰ بالا برده کشورهای در حال توسعه را ترغیب نماید که غلات بیشتری برای ترمیم نیازهای خود تولید کنند. انتظار می رود مذاکرات دور اروگوئه به دلیل کاهش صادرات برنج یارانه ای توسط کشورهای توسعه یافته و گشایش بازارهای برنج اثر قابل توجهی بر بازارهای برنج داشته باشد. هم واردات و هم صادرات دانه های درشت باید در نتیجه مذاکرات اروگوئه در کشورهای توسعه یافته وهم در حال توسعه کمی افزایش یابد.

باوجود آنکه افزایش در کل حجم تجارت اندک است قیمت دانه های درشت بین ۴ تا ۷٪ بالا برود. انتظار می رود مذاکرات اروگوئه در مورد نفت

باعث افزایش تقاضای واردات در کشورهای توسعه یافته شود. تجارت کنجاله دانه های روغنی و قیمت آن نیز باید تا حدودی تحت تأثیر قرار گیرد بر اساس مذاکرات اروگوئه افزایش اندک در حجم اندک در حجم کلی تجارت گوشت پیش بینی شده است.

با نگاهی موشکافانه به تحلیل اخیر FAO، مشاهده می شود که کاهش مداوم میزان خودکفایی و ارتقای سطح نیازهای وارداتی در کشورهای در حال توسعه در مجموع خصوصاً در مورد غلات که از ابتدای ۸۷-۸۹ آغاز و تا ۲۰۱۰ ادامه خواهد داشت با افزایش خودکفایی در اقتصادهای در حال گذر و دیگر کشورهای توسعه یافته جبران می شود نیازهای وارداتی تا ۲۰۱۰ از تولید افرون بر نیاز و پیش بینی های مصرف ناشی می شود.

همانطور که بیشتر ملاحظه شد، پیامدهای مطلوب و سودمند مذاکرات اروگوئه بخصوص آزادسازی بازرگانی باتوجه به اثرات شرایط تجاری ممکن است برای کشورهای واردکننده و صادرکننده متفاوت باشد. ولی به هر حال کشورهای به ثبات قیمت های جهانی علاقمند هستند.

مذاکرات دور اروگوئه همچنین از طریق اعمال تعرفه ها بر قیمت های جهانی اثر می کند. اگر قیمت ها در تمام کشورها تحت تأثیر تغییرات بازار جهانی قرار گیرند تغییرات قیمت جهانی برای نوسانات عرضه و تقاضا کمتر خواهد بود با اینکه در حال حاضر اغلب تعرفه های کشاورزی تثبیت شده اند کشورها ممکن است هر آن تعرفه های کمتری ارائه دهند. کشورها می توانند بدین وسیله اثرات نوسانات قیمت جهانی را در بازار داخلی تقلیل دهند. مثلاً ممکن است از تعرفه متغیری استفاده نکنند که حداکثر آن به تعرفه تصویب شده برسد. در مواردی که تمهیدات غیرتعرفه ای جای تعرفه را گرفته اند کشورهای عضو NTO حق استفاده از ماده روشهای حفاظتی ویژه را برای خود حفظ کرده اند. استفاده از این قانون باعث می شود که قیمت های واردات نیز کمتر تحت تأثیر تغییرات قیمت های جهانی قرار گیرد.

راه دیگری که مذاکرات اروگوئه به محدوده عدم ثبات قیمت جهانی اثر می کند تغییر انگیزه ها بر اساس ذخیره سازی است کاهش دخالت صادرکنندگان کشورهای پیشرفته در بازار باعث می شود که ذخیره سازی دولتها مانند گذشته نباشد به طور کلی مقدار ذخیره جهانی کاهش یابد با این حال تقلیل ذخایر دولتی برای صادرات ذخیره مطلوبی برای افزایش ذخیره سازی توسط بخشهای خصوصی و دولتی واردکننده در حال توسعه را فراهم می کند زیرا در این توافق ذخیره سازی برای تأمین امنیت غذایی مجاز شمرده شده است حتی اگر ذخایر خصوصی جایگزین کاملی برای ذخایر دولتی نباشد، تقلیل ذخایر جهانی و افزایش نسبت در اختیار بخش خصوصی به شرطی که این بخش بیشتر از دولتها حساسیت نشان دهند باعث افزایش ثبات خواهد شد. روی هم رفته ثبات قیمت ها برای اغلب موارد افزایش می یابد ولی اثر ذخیره سازی ممکن است باعث دخالت وضع محصولات را می گردد.

یک اثر عمومیت آن است که آزادسازی تجارت عمدتاً همراه با حذف موانع جریان سرمایه بین المللی است. در حال حاضر مبادلات بین المللی سرمایه کمتر به تجارت بستگی دارد و بیشتر به احتیاجات نرخ برگشت در بازار دارایی ها بستگی دارد.

در نتیجه جریان بین المللی سرمایه بسیار فعالتر شده است. تغییر ناگهانی در علائق سرمایه گذاری مانند آنچه اخیراً در آمریکای لاتین اتفاق افتاد می تواند اثر بزرگی در قیمت ارز داشته باشد و در نتیجه قیمت های داخلی واردات از جمله غذا را بشدت افزایش دهد اثر این تغییرات ناگهانی وابسته به

ارز در آینده ممکن است بیشتر از اثرات تغییر خود بازار کالا باشد. (حیدری، ۱۳۷۵).

منابع و ماخذ:

۱. ایران زاده، سلیمان (۱۳۸۰)، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
۲. بشریه، حسین (۱۳۸۰)، روزنامه اطلاعات، سه شنبه، ۲ مرداد.
۳. حیدری، غلامرضا و دیگران (۱۳۷۹)، کشاورزی ایران و گات، تهران، ناشر: مرکز مطالعات و برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۴. سازمان خواربار و کشاورزی (۱۳۷۳)، سیاست قیمت در کشاورزی، ترجمه سید جواد میر، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱۷، ناشر: وزرات جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی.
۵. سازمان خواربار و کشاورزی (۱۳۷۶)، کشاورزی به سوی سال ۲۰۱۰، ترجمه و نشر: دفتر تولید برنامه های ترویجی و انتشارات فنی.
۶. قریب، حسین، (۱۳۸۰)، جهانی شدن، چالش های امنیتی جمهوری اسلامی ایران ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
۷. مجتهد زاد، پیروز، (۱۳۸۰) جهان سیاسی در سالی که گذشت ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت.
۸. محمدی، رضا، (۱۳۸۰)، روند جهانی شدن و تأثیر بر کشاورزی، هم شهری ۹. مردانی گیسوی، اسماعیل (۱۳۸۰)، جهانی شدن: نظریه و رویکردها، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
۱۰. هیلر، استیون و دیگران (۱۳۷۹)، پیامد های موافقت نامه کشاورزی دور اروگوئه برای کشورهای در حال توسعه، ترجمه: علیرضا خرمائی، ناشر: وزارت جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه.
۱۱. کومسا، ا. (۱۳۷۸)، جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره سوم و چهارم، آذرودی.
12. Hunger, A: Warner, s. A course curriculum and a Multimedi concept for an internationally orientated Degree cource In proceeding of the CATE 98, IASTED/ACTA. Press.
13. Levin, Mark (2001), The Role of cooperatives in providing local Answers to Globalization, keynotespeed to the 10 th National co-operative congress, San Jose, Costa, Costa, 29 March.
14. Schwettmann, Jurgen (2001), cooperatives and Globalization : An ILO perspective, ICA General Assembly seoul 2001, 16 October.
15. wulker, Hans-Detlef and GraumanmMatthias (2002) , Co - operative and Globalisation ,Federal Republic of Germany ,Bonn .